

مقاله پژوهشی: نقش مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک در اندیشه نظامی آمریکا

حسین ولی‌وند زمانی^۱، محمد اکرمی نیا^۲، سهیل گودرزی^۳، مجید اسدی^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

چکیده

تأثیر جهان‌بینی و ایدئولوژی غالب هر جامعه بر نگرش‌های سیاستمداران و سیاست‌های متخذه توسط آن‌ها بر کسی پوشیده نیست و این قاعده در مورد آمریکا و سیاست‌مداران آن نیز صدق می‌کند. این کشور با توجه به موقعیت ویژه‌ای که برای خود در دنیا قائل است، سیاستی خاص و متفاوت از سایر کشورها دارد. در چند دهه اخیر سیاست سلطه‌جویی و هژمونی به اولویت اول سیاست خارجه این کشور در تمامی عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... تبدیل شده است. از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری اندیشه سیاسی و به تبع آن اندیشه نظامی هر جامعه، باورها و اعتقادات حاکم بر آن است لذا نقش مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک در اندیشه نظامی آمریکا مسئله‌ای است که مقاله حاضر بدان می‌پردازد. بر همین اساس سؤال اصلی این تحقیق، عبارت از این است که: "مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک در اندیشه نظامی آمریکا چه نقشی دارد؟" به منظور پاسخ به این مسئله پژوهشی با روش آمیخته صورت گرفته است و با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی - توصیفی، بر دیدگاه اندیشمندان غربی و غرب‌شناسان، برگرفته از آثار مکتوب انجام بررسی شده است. یافته‌های پژوهش مبین این است که اکثریت مطلق جامعه نمونه به فرضیه پژوهش پاسخ زیاد و خیلی زیاد را داده‌اند، همچنین با توجه به تحلیل استنباطی و آزمون خی دو و با در نظر گرفتن مقدار بحرانی و مقدار آماره آزمون به دست آمده فرضیه پژوهش تأیید گردیده است.

واژگان کلیدی: اندیشه نظامی، مبانی اعتقادی، ایدئولوژی، آمریکا

۱ دانشیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

۲ استادیار مدیریت استراتژیک دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

۳ دکتری علوم سیاسی مدرس دانشگاه عالی دفاع ملی

۴ دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) m.tehran.93@gmail.com

مقدمه

هر واحد سیاسی در جهان به فراخور اهداف، موقعیت، منافع و امنیت ملی دارای مسائل مخصوص به خود در عرصه سیاست خارجی است؛ و برای پیشبرد اهداف خود در این عرصه، سیاست و روش‌هایی را با توجه به موقعیت و شرایط استفاده می‌نماید. آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان که داعیه هژمونی داشته و دارد نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در این حوزه سیاست خاص خود را دارد که با سایر کشورهای دیگر متفاوت است، این کشور پس از افول سایر دول قدرتمند در فضای جنگ دوم جهانی، به دلیل موقعیت برتر نظامی و اقتصادی خود ادعای کدخدایی جهان را داشت، در این رابطه کولیبار معتقد است که: روابط اعضای جامعه بین‌المللی باهم لزوماً بر پایه تساوی استوار نیست. نامتناسب بودن قدرت‌های نظامی یا غیرنظامی در بین این جوامع صلاحیت‌های سرزمینی موجود آن‌ها را دگرگون می‌سازد. وقتی بر صلاحیت یکی افزوده می‌شود صلاحیت دیگری نتیجتاً کاستی می‌گیرد. واقعیت‌های اجتماعی مختلف در قرون گذشته باعث شد که استعمار یا امپریالیسم خود را به‌صورت نهادهایی حقوقی از قبیل تحت‌الحمایگی، واگذاری اداره، نظام امتیازات، کاپیتولاسیون و خراج‌گزاری نشان دهد. (کولیبار، ۱۳۶۸: ۱۸۹) با این تعبیر، آمریکا حق مداخله در کلیه معادلات جهانی و حتی مداخله در امور داخلی سایر واحدهای سیاسی را برای خود محفوظ و قانونی می‌داند؛ و بر همین اساس، اقدامات مداخله‌گرانه آمریکا در امور کشورهای دیگر، در دوران پس از جنگ سرد، تنوع، تکرر و شدت مضاعفی یافته است. عراق، هائیتی، پاناما، سومالی، بوسنی، کوزوو، لیبی، سودان، افغانستان، سوریه از جمله عرصه‌های بارز نظامی این رویکرد جدید مداخله‌گرایانه است. پس از جنگ جهانی دوم برای رهبران آمریکا این اعتقاد به وجود آمد که مرزهای آن‌ها در تمامی قاره‌هاست و تعهدات آن‌ها فراتر از مرزهای داخلی است. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۲۰) بر پایه این دیدگاه، سیاست هژمونی آمریکا شکل گرفته، گسترش یافته و به اولویت اول سیاست خارجه این کشور در تمامی عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی،... تبدیل شده است و برتری‌جویی و خوی سلطه‌گری با روش‌ها و ابزارهای مختلف در جامعه آمریکا تزریق و تبلیغ می‌شود، واعظی در این خصوص عقیده دارد: کودکان آمریکایی با این ویژگی تربیت می‌شوند که اخلاق، دین و فرهنگ آمریکایی بر همه فرهنگ‌ها برتری دارد و به قول فوکویاما تمدن غربی پایان تاریخ است. از این رو، چنین القاء می‌شود که این فرهنگ به دلیل برتری‌هایش همواره هم مورد تمجید و

تحسین است و هم مورد رشک و حسادت. در همه فیلم‌هایی که پس از جنگ دوم جهانی ساخته شده است از یک سو علاقه وصف‌ناپذیر دیگر مردم جهان به زندگی آمریکایی به تصویر کشیده می‌شود و از سوی دیگر نقشه‌های شیطنانی نیروهای شرور برای نابودسازی جامعه آمریکایی، جامعه‌ای که در آن آزادی‌های سیاسی و فردی، ارزش‌های یهودی- مسیحی و انواع و اقسام لذات و رفاه مادی یکجا جمع شده است. (واعظی، ۱۳۸۲) همین مورد را نیز آقای صداقت-گویان تأیید نموده و می‌گوید: درست است که نخستین قانون اساسی جدید جهان که در آمریکا تدوین شد، متضمن جدایی دین از سیاست بود، اما امروزه به وضوح شاهد حضور دین و دیدگاه-های ایدئولوژیک در بین جامعه و دولت‌مردان آمریکایی هستیم. (صداقت‌گویان، ۱۳۸۲: ۲)

بروز رفتارهای خصمانه این کشور از همان نخستین روزهای شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و تشدید خصومت‌ها در سال‌های اخیر، نیز به همین دلیل است. از همین رو آمریکا به‌عنوان داعیه‌دار تمدن و تفکر غرب، دشمن درجه یک انقلاب اسلامی شناخته می‌شود و لذا شناخت و آگاهی بیشتر از اندیشه نظامی این قدرت استعماری و پرداختن به این مقوله در این برهه از زمان اهمیت ویژه‌ای دارد. از آنجایی که نقش مبانی اعتقادی و ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه‌ای از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری اندیشه سیاسی و به تبع آن اندیشه نظامی آن است، از همین رو، بر آن شدیم تا با توجه به ماهیت و هدف پژوهش، به کمک رویکرد توصیفی - تحلیلی، نقش مبانی اعتقادی و ایدئولوژی در اندیشه نظامی آمریکا را بررسی نماییم. لذا نقش مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک در اندیشه نظامی آمریکا مسئله‌ای است که مقاله حاضر بدان می‌پردازد؛ و بر همین اساس سؤال اصلی این تحقیق "مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک در اندیشه نظامی آمریکا چه نقشی دارد؟" است.

مبانی نظری

- پیشینه تحقیق:

در خصوص اندیشه سیاسی آمریکا کتب و مقالات زیادی تحریر گردیده است ولی با بررسی نگارنده مشخص گردید که به جز تعدادی معدود، مبحث اندیشه نظامی این کشور را مورد توجه قرار نداده‌اند و به طور اخص می‌توان گفت، موضوع مبانی اعتقادی و ایدئولوژی در اندیشه

نظامی آمریکا، مورد توجه پژوهش‌گران قرار نگرفته است. ولی در باب این موضوع، در اندیشه سیاسی آمریکا کتب و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده است که پژوهشگر سعی نموده در انجام این پژوهش به مواردی که بیشتر به دو مؤلفه (دین ایدئولوژی و اندیشه نظامی) پرداخته‌اند مراجعه نماید، لذا در ادامه به برخی از بارزترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

شهریار زرشناس در سال ۱۳۹۳ در کتاب "شناخت و سنجش ایدئولوژی‌های مدرن"، بر آن است تا ایدئولوژی‌های مدرن از منظر حکمت سیاسی اسلامی و «طریقت سیاسی - اقتصادی تشیع ولایی» بررسی و نگاهی تحلیلی - انتقادی بر ایدئولوژی‌های مدرن که شامل لیبرالیسم و نئولیبرالیسم، محافظه‌کاری، سوسیالیسم، مارکسیسم و... را مورد بررسی قرار دهد. این کتاب در چهار فصل تنظیم گردیده که فصل نخست آن تحت عنوان (معنا و مفهوم ایدئولوژی) با پژوهش حاضر مرتبط است. نویسنده در این فصل ضمن تعریف ایدئولوژی، ویژگی‌ها و کارکردهای ایدئولوژی را مورد بررسی قرار داده و همچنین مفهوم ایدئولوژی از نظر اشخاصی همچون کارل مارکس، لنین، برنشتاین و لوکاچ را مطرح نموده است. آنچه در این بخش حائز اهمیت نویسنده بوده این است که: ایدئولوژی‌های مدرن ماهیتی اومانستی و سکولاریسمی دارند و حاصل عصر ظلمانی به اصطلاح روشنگری هستند و روشنفکران به‌عنوان مبلغان و مروجان مدرنیته و نمایندگان و سخنگویان جهان‌بینی مدرن اصلی‌ترین حاملان ایدئولوژی‌های مدرن هستند. شایان ذکر اینکه اولاً ایدئولوژی مدرن در ذیل مفهوم دموکراسی سوژه محور خود بنیاد و «مفهوم مدرن دموس» تحقق و فعلیت یافته‌اند و دوم اینکه ناظر به منافع و اغراض یک یا چند طبقه و گروه اجتماعی موجود در اجتماعات مدرن است؛ و سوم در هر یک از انواع ایدئولوژی‌های مدرن، هسته مفهومی بنیادینی وجود دارد که دیگر مفاهیم و مفروضات، حول محور آن هسته، مجموعاً مفاهیم سازنده آن ایدئولوژی را می‌سازند.

عزیزخانی در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی شاخص‌های بنیادگرایی مسیحی در آمریکا (بر مبنای اندیشه‌های لئواشترائوس)"، چاپ شده در شماره ۱۹-۲۰ فصلنامه دین و سیاست (۱۳۸۸)، به دنبال تبیین چیستی شاخص‌های بنیادگرایی مسیحی در آمریکا بوده است و در نوشتار خود

شاخص‌هایی همچون مطلق‌گرایی، جهان‌گرایی، تمایز میان خیر و شر و اعتقاد به تبعیت سیاست از اخلاق را بررسی نموده است و به این نتایج رسیده است که: بر اساس اعتقادات مسیحیان صهیونیست و بنیادگرای آمریکا، نبرد آرماگدون، نبردی هسته‌ای خواهد بود لذا بایستی از دستیابی نیروهای ضد مسیح به سلاح‌های اتمی جلوگیری شود. همچنین بنیادگرایی مسیحی با تأکید بر حمایت از صهیونیسم عملاً با کشورهای معارض صهیونیسم در تقابل قرار گرفته است.

مهرداد حلال‌خور و محمدمهدی باباجان نژاد در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر ایدئولوژی بر تناسب کاربرد قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا (مطالعه موردی اعراب، اسرائیل)" که شماره نهم فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا (۱۳۹۰) به چاپ رسیده است هدف پژوهش خود را بررسی جایگاه ایدئولوژی در سیاست خارجی آمریکا در زمان ریاست جمهوری کلینتون، بوش و اوباما و ارتباط آن با کاربرد قدرت نرم در قبال اعراب و فلسطین عنوان نموده‌اند. ولی عملاً به سیاست‌های متخذه توسط آن‌ها پرداخته شده است؛ و به تأثیر ایدئولوژی در این خصوص نپرداخته‌اند.

در پژوهشی که با عنوان "الگوها شیوه‌های اجرا و ابزارهای ایدئولوژیک سیاست خارجی آمریکا" توسط نعمت... مظفرپور انجام و در فصلنامه مطالعات منطقه‌ای (سال پنجم) به چاپ رسیده است به اهداف سه‌گانه سیاست خارجی آمریکا پرداخته و معتقد است که سیاست خارجی آمریکا در قالب ایدئولوژی هدف‌گذاری و هدایت می‌شود. سپس با تعریفی که از ایدئولوژی دارد به این نتیجه رسیده است که سیاست خارجی آمریکا به‌طور مطلق ایدئولوژیک است و لذا همه کثرت‌ها در سیاست خارجی آمریکا سر آخر به وحدت می‌رسند. در ادامه بیان می‌نماید که سیاست خارجی آمریکا دارای ابعاد چندگانه است، اما علاوه بر آن، دارای بطن تودرتویی نیز هست که همه چندگانگی‌ها با بطن پسینی (عظمت ملی) هدایت می‌گردند. همچنین به این نتیجه مهم رسیده که ایالات متحده برای جاودانگی خود درصدد پیروی دنیا از خویش است. به همین دلیل، محور همه اقدامات شوکت ملی است. اخلاق‌گرایی نیز از آن جهت پیگیری می‌شود که آن‌ها ارزش‌های خود را جهانی می‌دانند. در ادامه به بیان مفاهیم و ادبیات پژوهش می‌پردازیم.

– مفهوم شناسی:

اندیشه: در تعریفی از اندیشه، آقای مهاجرنیا بیان می‌دارد که: واژه اندیشه اسم مصدر به معنای فکر کردن است. مصدر آن اندیشیدن به معنای تفکر است. تفکر عبارت است از فرایند رسیدن از معلوم به مجهول. انسان وقتی در برابر سؤال و موقعیت مبهم قرار می‌گیرد، عمل تفکر او شروع می‌شود. در موقعیت معلوم نیازی به فکر کردن نیست. کار محقق و مؤلف برای پاسخ‌یابی به سؤالات و مجهولات تفکر نامیده می‌شود؛ چون تفکر نیازمند تعقل، تدبیر و تأمل است تا از فرایند معلوم به مجهول و از معلوم به سوی مطلوب برسد. غایت تفکر همان "طرح موقعیت مبهم"، مسئله‌سازی، مجهول‌یابی، در برابر ندانسته‌ها قرار گرفتن است اما محصول و برآیند کار او که بعد از تعقل، تدبیر و تأمل به دست می‌آید، فکر و اندیشه است؛ خواه محصول تراوش‌های ذهنی خودش باشد یا رسیدن به دیدگاه و آموزه‌های دین باشد. پس اندیشه همیشه امری معلوم و حاصل شده است. (مهاجرنیا، ۱۳۹۴: ۲۲)

همچنین حسین سلامی در تعریفی که از نجار آورده است، بیان می‌کند که: معنای اصطلاحی اندیشه برابر با همان معنای لغوی آن است که فکر کردن و تأمل و تفکر عقلانی داشتن است که برای شناخت به کاررفته است. همچنین به عقیده‌ای که عقل پس از بررسی بدان دست می‌یابد، اندیشه اطلاق شده است. مراد از عقیده نیز اعتقادات و باورهایی است که شخص نسبت به آن‌ها دل‌بستگی دارد. (سلامی و همکاران: ۱۳۹۶: ۱۰) و در آخر آقای جمشیدی اندیشه را کنش ذهنی انسان صاحب عقل می‌داند و اشاره می‌دارد که: اندیشه در لغت اندیشیدن، تأمل کردن، تفکر کردن و به‌طور کلی اعمال خاص ذهن انسان است. به لحاظ وجود شناسی و منطقی نیز «اندیشه» و «فکر» بیانگر هر نوع کنش ذهنی فعال انسان صاحب عقل است. (جمشیدی ۱۳۸۳: ۲۸)

اندیشه نظامی: به بیان آجرلو اندیشه نظامی، تفکری است که به‌صورت قاعده‌مند و توأم با انسجام درون‌گفتمانی به بررسی مسئله بقای مادی و معنوی یک جامعه پرداخته تا آن را در برابر خطرات و تهدیدات نظامی خارجی ایمن نماید و در جهت حصول به امنیت و تأمین منافع آن به چاره‌جویی بپردازد. (آجرلو، ۱۳۸۸: ۳) جمشیدی نیز در کتاب "اندیشه نظامی در جهان" دو تعریف عام و خاص از اندیشه نظامی ارائه نموده‌اند: تعریف عام: اندیشه نظامی هرگونه تفکر و تأمل درباره امر و رأی نظامی. تعریف خاص و یا

معرفت‌شناسانه: اندیشه نظامی، تفکری منسجم، موجه، اصولی، مهم و دارای چارچوب نظری و بااهمیت درباره امر و رأی نظامی که به بررسی مسئله بقای مادی و معنوی یک جامعه در مقابل خطرات و تهدیدات با توسل به قوی قهریه و سلاح و در جهت نیل به امنیت و تأمین منافع آن می‌پردازد. (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۹)

اندیشه نظامی در کوتاه‌ترین تعبیر، اندیشه جنگ و صلح و تعیین و تبیین سلبی یا ایجابی نقش یا سهم نیروهای مسلح و قدرت نظامی در برقراری، اعاده یا حفظ نظم امنیتی و عمومی در جامعه سیاسی است. در اندیشه نظامی، محور اصلی و مرکز ثقل، جنگ و عملیات جنگی (دفاعی یا تهاجمی) است. (گروه مطالعات دفاعی، ۱۳۹۰: ۱۷)

اندیشه نظامی، مجموعه‌ای کلی از عقاید و ایده‌ها است که الهام‌بخش طراحان سیاست دفاعی و راهبرد نظامی است. اندیشه نظامی در پی یافتن پاسخی برای این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان کشور را در برابر تهدیدهای نظامی و غیرنظامی مصون و محفوظ نگه داشت و بر دشمن پیروز شد اندیشه نظامی را می‌توانیم مانند مثلثی تصور کنیم که سه عنصر مبانی نظری و عقیدتی، تفکرات و تجارب نظامی و تحولات سیاسی و نظامی سه رأس آن را تشکیل می‌دهند. (عسگری، ۱۳۹۱: ۵-۳)

مهم‌ترین مسائل اندیشه نظامی عبارت‌اند از: مبانی و بنیان‌های نظری و فکری و اعتقادی شکل‌گیری اندیشه‌های نظامی؛ تأثیر و تأثر اندیشه نظامی نسبت به زمان و تحولات؛ اصول جنگ؛ مقررات و قواعد جنگ؛ اخلاق و جنگ؛ معاهده‌ها و قراردادهای نظامی و ... (جمشیدی، ۱۳۹۶: ۶۰)

ایدئولوژی: واژه ایدئولوژی، برای اولین بار توسط دوستوت دوتراسی یکی از پیشگامان فرانسوی پوزیتویسم در سال ۱۷۹۶ به‌کاربرده شد. دوتراسی با ایدئولوژی می‌خواست علم جدید ایده‌شناسی را بنیان کند. او معتقد بود که باید ایده‌ها را به‌مثابه ابژه‌هایی مستقل از هر نوع معنای متافیزیکی در نظر گرفت و ریشه‌ها و روابط آن‌ها را با یکدیگر با روش‌های تجربی مورد مطالعه قرارداد. (احمدی، ۱۳۷۹: ۳۶۳-۳۶۲)

در تعریفی از قوام آمده است که: ایدئولوژی از لحاظ سیاسی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است. به بیان دقیق‌تر، ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی باشد. در چارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش نسبت به جهان را فراهم

می‌آورد و بالاخره این عنصر تشکیل‌دهنده قدرت، معیارها و ضوابط مشخص و معینی است که در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد تا بر اساس آن چهارچوب هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم کنند. (قوام، ۱۳۸۸: ۴۳) ما نهایتاً ایدئولوژی را دربردارنده نظام‌های درهم‌تنیده اندیشه و شیوه‌های تجربی‌ای می‌دانند که شرایط اجتماعی آن‌ها را مشخص کرده و گروه‌های جامعه از جمله افراد درگیر در تفسیر ایدئولوژی در آن سهیم هستند. (Mannheim, 1971: 60) ایدئولوژی به مجموعه‌هایی از باورهای صریح یا نظام‌مند درباره سیاست اشاره و طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها و بنیادهای نظری و عملی را دربر دارد.

(Halliday, 2005: 196) در ادامه تعریف‌های این‌چنینی اندیشمندان غربی از ایدئولوژی، خسروی تعریفی از معنای امروزی ایدئولوژی ارائه می‌نماید و عقیده دارد که ایدئولوژی از معنای اصلی خود فاصله گرفته و در این خصوص این‌گونه بیان می‌دارد: امروزه ایدئولوژی بافاصله گرفتن از معنای اولیه خود به‌جای اینکه مطالعه‌کننده ایده‌ها و نظرات باشد تبدیل به مجموعه عقاید و ایده‌هایی شده است که می‌خواهد میان تفکر و عمل ارتباطی ایجاد کند. به‌عبارت‌دیگر ایدئولوژی‌ها می‌خواهند چگونگی فکر کردن دیگران را شکل بدهند و روی اعمال و رفتار تأثیر بگذارند هر ایدئولوژی یک بخش علمی - منطقی دارد و با اتکا به همین بخش است که می‌کوشد احکام خود را مرکب از تصورات درستی درباره واقعیت کند. همچنین، از آنجاکه نظام گفتمانی ایدئولوژی دربرگیرنده احکام ارزشی است، خودبه‌خود و همواره ناظر بر یک آرمان نیز است و با اتکا به آن آرمان است که معیاری برای ارزشمندی ارزش‌های خود به‌چنگ می‌آورد؛ اما این معیار زمانی می‌تواند مطمئن باشد که آن آرمان عقلایی جلوه کند. (خسروی، ۱۳۸۲: ۲۲۷) بر پایه این صحبت می‌توان به نظرات مارکس که از بنیان‌گذاران مکاتب فکری غرب است اشاره نمود؛ تعریفی که مارکس از ایدئولوژی دارد در جوامع غربی ملموس‌تر و مشهودتر است، مارکس در کتاب ایدئولوژی آلمانی می‌گوید: «افکار طبقه حاکم در هر دوره‌ای، عقاید رایج بوده است و این بدان معنی است که طبقه‌ای که قدرت مادی را در دست دارد، قدرت معنوی را هم در دست دارد» (مارکس، ۱۹۷۶: ۶۱) همین عقیده را می‌توان به‌نوعی در گفتار پایین هم دید، آنجا که می‌گوید: ایدئولوژی‌ها چارچوبی طرح می‌کنند که دولت‌مردان بدان واقعیت‌ها را ببینند؛ بنابراین انتظار نمی‌رود که به‌طور مستقیم در امور جزئی وارد شده، برای همه مشکلات، راه‌حل ارائه دهند و در سطح کلان عمل می‌کنند.

ایدئولوژی حداکثر تعیین می‌کند آیا یک ملت در سیاست خارجی از طریق دیپلماتیک وارد شود و یا از زور

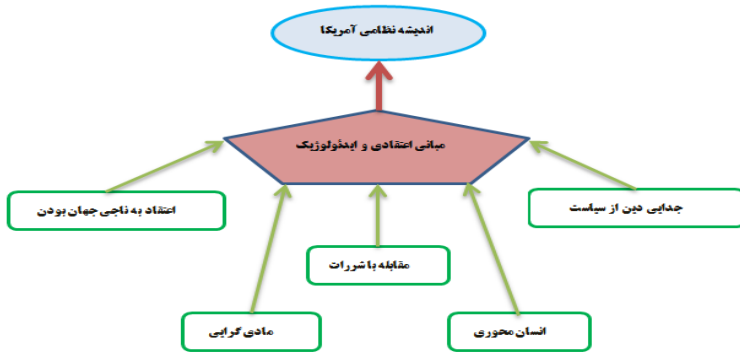
استفاده نماید و بیش از این وارد نمی‌شود و علاوه بر آن، کارکرد درجه سوم هم دارد و آن، توجیه گزینه‌ها و تصمیمات سیاسی است. (Payne, 1995: 17) توجیه ورود آمریکا به جنگ با استدلالات ویژه‌ای صورت می‌پذیرد. نخست اینکه، آن کشور فعالیت‌های فوق را با توجیه دفاع از خویش انجام می‌دهد؛ چراکه وجود بعضی نهادها در برخی کشورها، نه تنها ارزش‌های حاکم بر آمریکا را در عرصه بین‌المللی، بلکه در داخل مرزهای ملی تهدید می‌کند. دوم اینکه، وجود رژیم‌های توتالیتر و یا غیر دموکراتیک، صلح و ثبات بین‌المللی را با مشکل مواجه می‌سازد. نظام لیبرال آمریکا در بلندمدت فقط در نظم بین‌المللی ای می‌تواند به زیست ادامه دهد که واحدهای لیبرال - دموکرات، عضو آن باشند. سوم اینکه، تلاش برای ایجاد نهادهایی توسط مداخله و جنگ بدین دلیل انجام می‌پذیرد که این ارزش‌ها جهانی تلقی می‌شوند. چهارم اینکه، کشورهای غیر دموکراتیک اجازه گسترش و نشوونمای ارزش‌های آمریکایی را نمی‌دهند. (Huntington, 1989: 242) از نظر سوارز جنگ دفاعی نه تنها مجاز بلکه گاه حتی الزامی است زیرا همه قوانین دفع زور را با زور روا می‌دارند. به علاوه او معتقد است که حتی آنگاه که جنگ، تهاجمی باشد به خودی خود شر نیست، بلکه ممکن است به حق و ضروری باشد؛ زیرا چنین جنگی معمولاً برای کشور ضروری است برای دفع رفتارهای ناعادلانه و بازداشتن دشمن و بی این جنگ‌ها ممکن نیست که کشورها در صلح به سر ببرند. (علیقلیان، ۱۳۹۱: ۳۳۸-۳۳۳)

در دوران باستان که توسل به زور در همه جوامع عمومیت داشت، نظریه جنگ «عادلانه» یا «جنگ مقدس» در روم مطرح شد و بعدها در قرون وسطا که کلیسا در اروپا به قدرت رسید، مورد توجه عالمان مسیحی، از جمله توماس آکوئینی، قرار گرفت و بیشتر شکل مذهبی یافت. از نمونه‌های این جنگ از دیدگاه مسیحیان، جنگ‌های صلیبی است که برای استرداد بیت المقدس از مسلمانان آغاز شد و از قرن پنجم تا هفتم/ یازدهم تا سیزدهم در هشت مرحله ادامه یافت. در اواخر قرن شانزدهم میلادی، نظریه جنگ عادلانه نظم جدیدی یافت و برای آن چهار شرط مقرر شد: عنوان عادلانه، انگیزه عادلانه، ضرورت داشتن جنگ و راهبری عادلانه. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۲۳ - ۲۰) مارک یورگن مایر، استاد جامعه‌شناسی و مدیر مطالعات جهانی و بین‌المللی دانشگاه کالیفرنیا، نظریه‌ای بر پایه جنگ مذهبی و با عناصر نیروهای خیر و شر به این شرح دارد. وی معتقد است که تعصبات مذهبی و حس تهدید برای از دست دادن

هویت اعتقادی مؤمنان متعصب موجب می‌گردد تا این تفکر و روحیه در آن‌ها ایجاد شود که فقط از طریق نبرد میان نیروهای خیر (الهی) و شر (شیطانی)، جنگ اجتناب‌ناپذیری درمی‌گیرد و از این رهگذر آن‌ها تبدیل به جنگ‌جویانی مقدس می‌شوند. (محمدی، ۱۳۸۲: ۴۷) این مورد در سخنان جورج دبلیو بوش بارها به صورت شفاف بیان گردید و او خود را به‌عنوان جنگجوی مقدس عنوان نمود. از نگاه بنیادگرایان جنگ و خونریزی در دوران آخرالزمان اجتناب‌ناپذیر است و از این طریق خشونت به رهاورد اصلی این جریانات تبدیل می‌شود. جنگ مقدس در ادبیات بنیادگرایی مسیحی با عنوان آرماگدون شناخته می‌شود. (Kimball, 2008: 166) و بر همین اساس دکترین بوش که دارای محورهای مهمی چون؛ تقسیم دنیا به خیر و شر، قرار دادن همراهان با آمریکا در جبهه خودی و غیرهمراهان (نه فقط دشمنان) با آن به جبهه غیرخودی و انتخاب استراتژی اقدامات پیشگیرانه (نظامی و غیرنظامی) بود؛ عملاً مداخله‌گرایی در جهان را به اوج خود رساند و ناقوس مرگ قطعی نظام وستفالیایی را به صدا درآورد. (خلیلی، ۱۳۸۱: ۱۳) بوش دشمنان خود و آمریکا را محور شرارت و وظیفه آمریکا را مبارزه با شرارت عنوان نمود. به‌گونه‌ای که در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ جرج بوش در یک سخنرانی، عراق، کره شمالی و ایران را محور شرارت نامید. او علت این نام‌گذاری را حمایت آن کشورها از تروریسم و تلاش آن‌ها برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی بیان کرد. (همان: ۲۴)

چارچوب مفهومی

مبانی اندیشه‌ها متعدد و متنوع می‌باشند ولی در قالب جهان‌بینی‌ها مطرح می‌شوند، در این خصوص جمشیدی معتقد است که: زیربنا یا مبانی هر اندیشه را نگرش و بیش‌نسبت به جهان و انسان و... یا نوع جهان‌نگری (جهان‌بینی) تشکیل می‌دهد. (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۴۰) بر همین اساس پژوهش حاضر که برگرفته از رساله‌ای با عنوان "تبیین اصول و مبانی اندیشه نظامی غرب (مطالعه موردی آمریکا)" است، به روش تحلیل محتوا انجام گردیده است. پژوهشگر با توجه به مفاهیم و عناصر بنیادین اندیشه نظامی آمریکا و نتایج حاصله از پژوهش کیفی و کمی؛ مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک اندیشه نظامی آمریکا را در قالب چارچوب مفهومی به شکل ۱ ارائه نموده است.



شکل ۱: چارچوب مفهومی تحقیق

روش‌شناسی

نظر به اینکه این پژوهش با هدف بهره‌برداری از سوی مدیران و مسئولین نیروهای مسلح انجام شده است از نوع کاربردی است و از آن جهت که تلاش می‌کند تا موجب توسعه ادبیات اندیشه نظامی در کشور گردد توسعه‌ای است لذا پژوهش از نوع کاربردی - توسعه‌ای است. این پژوهش، با رویکرد آمیخته انجام شده است؛ و از نظر نوع داده‌ها، کیفی و کمی است. در این پژوهش در ابتدا با استفاده از روش خبرگی و تحلیل تفسیری اسناد موجود، داده‌ها جمع‌بندی و انتخاب شده و کدگذاری‌های دقیق بر روی آن‌ها صورت گرفته، سپس پژوهشگر نسبت به احصاء ابعاد، مؤلفه و شاخص‌ها و در نهایت به تبیین نقش مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک در اندیشه نظامی آمریکا پرداخته است. جامعه موردمطالعه در بخش اول پژوهش (کیفی) شامل: کتب و نشریات مرتبط با اندیشه سیاسی و نظامی غرب و آمریکا، مجموعه‌ای از اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا، اسناد دفاعی و سخنرانی‌ها و آثار اندیشمندان در این خصوص و مصاحبه با صاحب‌نظران و... بوده که موردبررسی قرار گرفت. مضمون‌های جملات و پاراگراف‌ها در متون موردمطالعه، مورد شمارش قرار گرفتند.

پس از اجرای مرحله کیفی پژوهش، به منظور اندازه‌گیری میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌های احصاء شده بر اندیشه نظامی آمریکا پرسشنامه‌ای تهیه و در این زمینه به کارگیری و با توجه به محدود بودن جامعه آماری، پژوهش به صورت تمام شمار انجام گردید.

با توجه به تخصصی بودن موضوع و محدودیت اهل فن برای اظهارنظر و تشخیص موضوع، نمونه‌گیری در بخش داده‌های کمی و کیفی این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است؛ و جامعه نمونه

کاملاً منطبق با جامعه آماری در نظر گرفته شد؛ بنابراین در این خصوص، پژوهش به صورت تمام شمار و تا اشباع نظری انجام گردیده است.

به منظور اطمینان از روایی و پایایی ابزار سنجش و گردآوری اطلاعات، با مصاحبه حضوری و مشورت با اساتید راهنما و مشاور و برخی از افراد صاحب نظر، خبره و کارشناس متخصص مرتبط با موضوع تحقیق، در نهایت پس از حصول اجماع نسبی، نظرات افراد صاحب نظر و خبره، از میان سؤالات متعدد متناظر با موضوع پژوهش که حاصل یافته‌های ادبیات پژوهش است، تعدادی سؤال بسته و یک سؤال باز در قالب پرسش‌نامه برای توزیع میان جامعه آماری تنظیم و طراحی گردید. به کمک مشاوره اساتید، در تعداد و محتوای سؤالات پرسشنامه نیز تغییرات و اصلاحات نسبتاً زیادی اعمال گردید؛ بنابراین با توجه به موارد فوق می‌توان از روایی و پایایی بالای ابزار سنجش و گردآوری اطلاعات این پژوهش اطمینان حاصل نمود.

ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان:

با توجه به تخصصی بودن موضوع پژوهش، محدودیت افراد خبره و صاحب نظر مرتبط با مسائل اندیشه سیاسی و اندیشه نظامی و شناخت کشور آمریکا، نیاز بود تا جامعه تحقیق از بین خبرگان نظامی و غیرنظامی و متخصصان اندیشه نظامی و اندیشه سیاسی در سطح نیروهای مسلح، کشور و سازمان‌های مرتبط انتخاب گردند، لذا تعداد ۴۵ نفر به صورت هدفمند که دارای ویژگی‌های زیر بودند انتخاب شدند:

- (۱) - صاحب‌نظران و خبرگان مرتبط با مفاهیم اندیشه نظامی و اندیشه سیاسی
- (۲) - دارای مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد مرتبط با موضوع پژوهش
- (۳) - دارای جایگاه حداقل ۱۹
- (۴) - دارای سابقه خدمت در مشاغل راهبردی
- (۵) - دارای آثار علمی و پژوهشی در زمینه‌ی موضوعات اصلی مورد بررسی در این پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

بر اساس نظر اساتید و یافته‌های اسنادی اولیه پژوهش، پس از تعیین گویه‌ها، پژوهشگر نسبت به تعیین و انتخاب متونی که به ابعاد مختلف مبانی اعتقادی و ایدئولوژی اندیشه نظامی آمریکا اشاره داشته، اقدام نموده است در ادامه متون گزینش شده مورد بررسی قرار گرفته و مضامین مرتبط با موضوع پژوهش استخراج گردید. در مرحله بعد، از میان مضامین مختلف، مضامین مرتبط با ابعاد مبانی اعتقادی و ایدئولوژی اندیشه نظامی آمریکا گزینش شده‌اند. ملاک و واحد گزینش برحسب پاراگراف است. در زمینه موضوع پژوهش، متون مختلف شامل کتاب‌ها و نشریات و مقالات در حوزه اندیشه سیاسی و نظامی آمریکا، اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا، سند راهبرد نظامی و سخنرانی مقامات ارشد آمریکا، مصاحبه با خبرگان و ...، به صورت گزینشی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور بهره‌برداری مناسب و جامع و مانع از اطلاعات اسنادی جمع‌آوری شده، ابتدا تحلیل محتوای کمی، جهت استخراج کلمات کلیدی مرتبط با موضوع مورد بحث صورت پذیرفت و کلیدواژه‌ها انتخاب شدند تا مسیر را برای تحلیل کیفی مهیا نمایند. کلیدواژه‌ها و الفاظی که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش داشتند، احصاء و با مشورت صاحب‌نظران برای سنجش حساسیت نظری طی فرم مصاحبه و نظرسنجی بین خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری توزیع گردید. در پرسشنامه سؤال شده بود که: ۱- آیا این کلیدواژه‌ها بر مبانی اعتقادی و ایدئولوژی اندیشه نظامی آمریکا دلالت دارد یا خیر؟ ۲- چنانچه دلالت دارد میزان شدت آن چقدر است؟ ۳- نظرات پیشنهادی جنابعالی در این خصوص چیست؟ که نظرسنجی به دلیل تکرار نظر خبرگان به اشباع نظری واصل و در نهایت بعد از نفر دوازدهم نتیجه بدین شکل حاصل گردید که: تمامی صاحب‌نظران، بر این اعتقاد الفاظ احصاء شده از نظرسنجی خبرگان به ترتیب فراوانی اولویت عبارت بودند از (قدرت، منافع، امنیت، انسان، مادی‌گرایی، جنگ، فردگرایی، دفاع، انسان، هژمونی، ایدئولوژی، منابع، بین‌الملل، ...).

با توجه به نتایج حاصله از مرحله تحلیل محتوا، فرضیه‌ای به شرح ذیل تبیین و مورد پژوهش و آزمون قرار گرفت. با توجه به رویکرد اکتشافی این پژوهش، پس از اجرای مرحله کیفی و احصاء و مشخص شدن مؤلفه‌های مبانی اعتقادی و ایدئولوژیک اندیشه نظامی آمریکا، در راستای پاسخ به سؤال

پژوهش و با استفاده از یافته‌های مرحله قبل و بر اساس چارچوب مفهومی استخراج‌شده، فرضیه‌ای تدوین گردید و بر اساس آن پرسشنامه‌ای تهیه و در این زمینه به‌کارگیری و با توجه به محدود بودن جامعه آماری، پژوهش به صورت تمام شمار انجام گردید.

فرضیه پژوهش: «به نظر می‌رسد مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی نقش زیادی در اندیشه نظامی آمریکا دارد.»

در این فرضیه، تعداد ۵ سؤال به شرح ذیل مطرح‌شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است:

۱- دیدگاه انسان‌محوری به عنوان یکی از مؤلفه‌های مبانی ایدئولوژی و اعتقادی به چه میزان بر اندیشه نظامی آمریکا مؤثر است؟

۲- اعتقاد به جدایی دین از سیاست به عنوان یکی از مؤلفه‌های مبانی ایدئولوژی و اعتقادی به چه میزان بر اندیشه نظامی آمریکا مؤثر است؟

۳- اعتقاد به ناجی جهان بودن به عنوان یکی از مؤلفه‌های مبانی ایدئولوژی و اعتقادی به چه میزان بر اندیشه نظامی آمریکا مؤثر است؟

۴- ادعای مقابله با شرارت به عنوان یکی از مؤلفه‌های مبانی ایدئولوژی و اعتقادی به چه میزان بر اندیشه نظامی آمریکا مؤثر است؟

۵- مادی‌گرایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مبانی ایدئولوژی و اعتقادی به چه میزان بر اندیشه نظامی آمریکا مؤثر است؟
 ماحصل نظرخواهی در خصوص نقش مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی، در اندیشه نظامی آمریکا به شرح زیر ارائه می‌گردد:

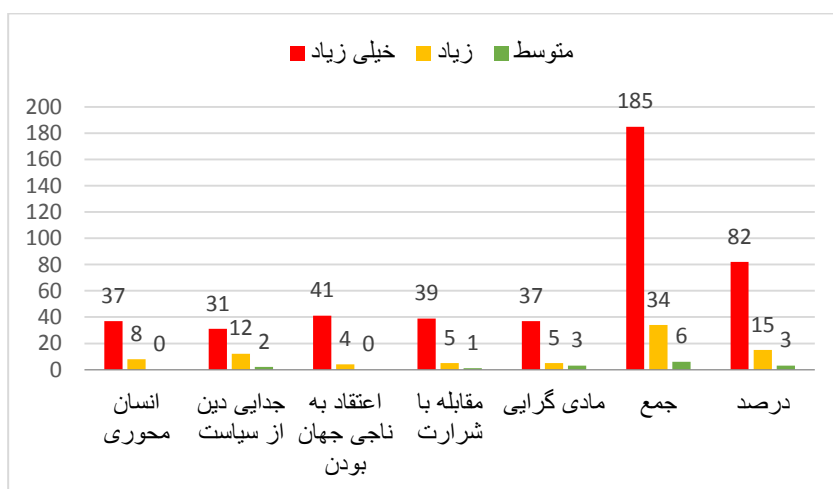
برای تعیین اولویت و رتبه‌بندی مؤلفه‌های احصاء شده از منظر جامعه پژوهش‌شوندگان، از روش آماری رتبه‌بندی فریدمن در سطح اطمینان 95 درصد استفاده شده است اولویت‌بندی تأثیرگذاری مخلفه‌ها بر اساس نتایج حاصل از آزمون فریدمن در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخ‌های مربوط به فرضیه

ردیف	سؤالات	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع	میانگین	اولویت
۱	سؤال اول	۳۷	۸	۰	۰	۰	۴۵	۴/۸۲	۳
۲	سؤال دوم	۳۱	۱۲	۲	۰	۰	۴۵	۴/۶۴	۵
۳	سؤال سوم	۴۱	۴	۰	۰	۰	۴۵	۴/۹۱	۱

۲	۴/۸۴	۴۵	۰	۰	۱	۵	۳۹	سؤال چهارم	۴
۴	۴/۷۵	۴۵	۰	۰	۳	۵	۳۷	سؤال پنجم	۵
		۲۲۵	۰	۰	۶	۳۴	۱۸۵	جمع	
		۴۵	۰	۰	۱/۲	۶/۸	۳۷	میانگین فراوانی	
		%۱۰۰	%۰	%۰	%۳	%۱۵	%۸۲	درصد فراوانی	
		-	۱	۲	۳	۴	۵	\bar{x}_i (اهمیت وزنی)	
		۲۱۵/۸	۰	۰	۳/۶	۲۷/۲	۱۸۵	$\sum f_i x_i$	

$$x = \frac{\sum f_i x_i}{N_i} = \frac{215/8}{45} = 4/79$$



نمودار ۱: فراوانی مؤلفه‌ها

تحلیل توصیفی فرضیه:

همان‌گونه که در جمع‌بندی فرضیه اول مشاهده می‌گردد ۹۷٪ از پژوهش‌شوندگان به سؤالات فرضیه اول پاسخ زیاد و خیلی زیاد را داده‌اند و با در نظر گرفتن میانگین به دست آمده ($\mu = 4/79$) نتیجه می‌گیریم که: مبانی ایدئولوژیک و اعتقادی در حد بسیار زیادی در اندیشه نظامی آمریکا تأثیرگذار می‌باشند. همچنین با توجه به مقادیر محاسبه شده از میان ۵ مؤلفه احصاء شده در جدول فوق، مؤلفه (اعتقاد به ناجی جهان بودن) با نمره فریدمن ۴/۹۱ در اولویت اول و مؤلفه (اعتقاد به جدایی دین از سیاست) با نمره فریدمن ۴/۶۴ در پایین‌ترین اولویت قرار گرفت.

آزمون فرضیه:

در ادامه به منظور بررسی تصادفی نبودن پاسخ‌های نمونه آماری و آزمون فرضیه پژوهش، از آزمون کای مربع (خی دو) استفاده شده است. از توزیع کای مربع در آزمون فرضیه‌هایی که داده‌های مورد تجزیه و تحلیل به صورت فراوانی ارائه شده است می‌توان استفاده نمود. به همین دلیل جهت بررسی تصادفی نبودن پاسخ‌های نمونه آماری فرضیه‌های پژوهش را مورد آزمون قرار می‌دهیم. ضریب خطا ۰/۰۵٪ در نظر گرفته شده است.

فرضیه H_0 : به نظر می‌رسد مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی نقش زیادی در اندیشه نظامی آمریکا ندارد.
 فرضیه H_1 : به نظر می‌رسد مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی نقش زیادی در اندیشه نظامی آمریکا دارد.

جدول ۲: محاسبه آزمون خی دو فرضیه

رتبه	foij	fej	foij - feij	$(foij - feij)^2$	$\frac{(foij - feij)^2}{fej}$
خیلی زیاد	۸۲	۳۳	۴۹	۲۴۰۱	۷۲/۷۵
زیاد	۱۵	۳۳	-۱۸	۳۲۴	۹/۸۱
متوسط	۳	۳۳	-۳۰	۹۰۰	۲۷/۲۷
کم	۰	۳۳	۰	۰	۰
خیلی کم	۰	۳۳	۰	۰	۰
جمع	۱۰۰				۱۱۰

$$X_2 = \sum \left(\frac{foij - feij}{fej} \right)^2 = 110$$

$$Feij = \frac{\sum foij}{N} = \frac{82+15+3}{3} = 33$$

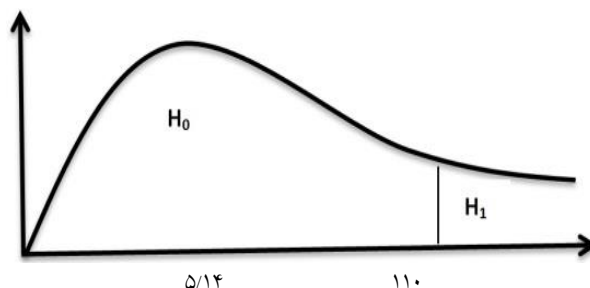
$$\alpha = 0/05$$

$$Df = (k_1 - 1)(k_2 - 1) = (3 - 1)(2 - 1) = 2$$

$$X_{2\alpha df} = x_{20/05(2.6)} = 5/14$$

$$x_2 \geq x_{2\alpha df} \text{ ناحیه رد } H_0$$

مقدار بحرانی $x_2 \text{ adf} = 5/14$ $x_2 = 110$ محاسبه شده (آزمون)



نمودار ۲: خی ۲ فرضیه

به دلیل اینکه X_2 محاسبه شده (۱۱۰) از X_2 بحرانی (۵/۱۴) بزرگتر است، پس فرضیه صفر رد شده و فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود. یعنی فراوانی مشاهده شده واقعی و ناشی از شانس و تصادف نبوده و معنادار است.

ضریب توافقی (ضریب شدت) بستگی: برای محاسبه ضریب توافقی از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$\sqrt{\frac{x_2}{n+x_2}} = \sqrt{\frac{110}{45+110}} = \sqrt{709} = 0,84$$

ضریب توافقی نشان‌دهنده آن است که شدت ضریب بستگی بین مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی و اندیشه نظامی آمریکا به میزان (۰/۸۴) بوده است؛ یعنی این دو متغیر از یکدیگر مستقل نبوده و بر همدیگر تأثیر گذار می‌باشند.

تجزیه و تحلیل فرضیه:

در رابطه با تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی فرضیه، با توجه به جداول و نمودار، نتایج حاصله مبین این مطلب است که از تعداد ۴۵ نفر پژوهش شوندهگان (جامعه نمونه) به طور میانگین (۰/۸۲) گزینه خیلی زیاد، ۱۵٪ نفر گزینه زیاد، ۳٪ نیز گزینه متوسط را انتخاب نموده‌اند؛ بنابراین نتایج حاصله بیانگر این واقعیت است که در حدود ۹۷٪ افراد جامعه نمونه (اکثریت مطلق) معتقدند که مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی نقش زیادی در اندیشه نظامی آمریکا دارد. در مجموع وضعیت هریک از مؤلفه‌های مبانی ایدئولوژیک و اعتقادی نشان می‌دهد که سؤال چهارم یعنی اعتقاد به ناجی جهان بودن، بالاترین تأثیر را در اندیشه نظامی آمریکا به خود اختصاص داده ولی نظر پاسخ‌دهندگان در مورد سؤال دوم یعنی جدایی دین از سیاسی (سکولاریسم) پایین‌ترین میزان تأثیر را در اندیشه نظامی آمریکا داشته است. با توجه به تحلیل استنباطی و آزمون خی دو و با در نظر گرفتن مقدار بحرانی و مقدار آماره آزمون به دست آمده، از آنجایی که آماره آزمون با درجه آزادی ۲ و سطح معنی داری ۰/۰۵، در ناحیه H_1 قرار می‌گیرد و از مقدار بحرانی جدول بزرگتر است، لذا فرضیه H_0 رد و فرضیه ادعا H_1 تأیید می‌گردد، بنابراین نتیجه حاصل از تحلیل نظریه پژوهش شوندهگان، مؤید این فرضیه پژوهش است که: مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی نقش زیادی در اندیشه نظامی آمریکا دارد. همچنین ضریب توافقی نشان‌دهنده آن است که ضریب شدت بستگی بین مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی و اندیشه نظامی آمریکا به میزان ۰/۸۴ بوده است یعنی این دو متغیر از یکدیگر مستقل نبوده و بر همدیگر تأثیر گذار می‌باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری:

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده و محاسبات انجام‌شده و میانگین $(\mu = 4/79)$ ، از مجموع تعداد ۴۵ نفر پاسخ‌دهندگان ۹۷٪ از جامعه نمونه (اکثریت مطلق) به فرضیه پژوهش پاسخ زیاد و خیلی زیاد را داده‌اند، همچنین با توجه به تحلیل استنباطی و آزمون خی‌دو و با در نظر گرفتن مقدار بحرانی و مقدار آماره آزمون به‌دست‌آمده فرضیه پژوهش تأیید گردید و ضریب توافقی نیز مبین آن است که شدت ضریب بستگی بین مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی و اندیشه نظامی آمریکا به میزان (84%) بوده است؛ یعنی این دو متغیر از یکدیگر مستقل نبوده و بر همدیگر تأثیرگذار می‌باشند. با توجه به موارد مذکور، محقق در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که: مبانی ایدئولوژیکی و اعتقادی نقش زیادی در اندیشه نظامی آمریکا دارد و بر این اساس است که سردمداران این کشور خود را به‌عنوان نیروی خیر معرفی می‌نمایند و نه تنها مخالفان بلکه کسانی را که صرفاً با سیاست‌های آن‌ها همراهی نمی‌کنند (جمله معروف جرج دبلیو بوش «یا با ما یا علیه ما») را نیروهای شر و دشمن لحاظ نمودند. با تمام اوصاف می‌توان چنین گفت که آنچه در رفتار و عملکرد برخی از سیاست‌مداران این کشور، با توجه به بروز بسیاری از شواهد، اندیشه سیاسی و نظامی‌شان نشئت‌گرفته از ایدئولوژی و مبانی اعتقادی آن‌ها است. لذا شاهد آن هستیم که عقیده به برحق بودن و برتری داشتن به همراه داعیه مسئولیت الهی اصلاح جهان که منبعث از مباحث ایدئولوژیک حاکم بر جامعه آمریکا است، باعث گردیده تا آمریکا همواره شروع هر جنگ و منازعه‌ای را با توجیهاتی از این قبیل، حق مسلم خود دانسته و حتی گاهی بدون اجماع با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، آغازگر جنگ و تجاوز به کشورهای هدف باشد. آن‌ها برای رسیدن به نظم نوین جهانی که مدنظرشان است و آن را حق خود می‌دانند، با توجه به شرایط، گاه راه دیپلماسی را برمی‌گزینند که این مورد در سیاست خارجی آن‌ها به‌کرات دیده‌شده و در صورت نیاز متوسل به‌زور نیز می‌شوند که این امر نیز به‌وضوح در تجاوزهای نظامی چند دهه اخیر آن‌ها در نقاط مختلف جهان علی‌الخصوص غرب آسیا کاملاً مشهود است.

ب - پیشنهادها:

الف) از نتایج این پژوهش می‌توان به‌منظور آشنایی مسئولان، مدیران و فرماندهان با اندیشه نظامی آمریکا، در راستای دشمن‌شناسی، بهره‌گرفت.

ب) از نتایج این پژوهش می‌توان در تهیه متون آموزشی در سطوح مختلف به‌منظور آشنایی با اندیشه نظامی غرب و آمریکا استفاده نمود.

ج) نتایج این پژوهش می‌تواند در سطح نیروهای مسلح و در طراحی دکترین نظامی کشور به‌کارگیری شود.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی:

- احمدی، بابک (۱۳۷۹)، "مارکس و سیاست مدرن"، تهران، نشر مرکز
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۳)، "مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان"، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دوره عالی جنگ
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۳)، "غرب و مبانی فکری آن در اندیشه امام خمینی (رحمت الله علیه)"، پژوهشنامه متین، شماره ۲۵
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۵)، "رخ اندیشه"، تهران، کلبه معرفت
- جمشیدی محمدحسین (۱۳۹۶)، "اندیشه نظامی امام علی (علیه السلام)"، پروژه تحقیقاتی در ستاد کل نیروهای مسلح
- حلال خور، مهرداد و باباجان نژاد، محمدمهدی (۱۳۹۰)، "تأثیر ایدئولوژی بر تناسب کاربرد قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی خاورمیانه ای ایالات متحده آمریکا (مطالعه موردی اعراب، اسرائیل)"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شماره نهم
- خسروی، کمال (۱۳۸۲)، "نقد ایدئولوژی"، تهران، اختران
- خلیلی، اسدا... (۱۳۸۱)، "روابط ایران و آمریکا"، تهران
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، "سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده"، تهران، قومس
- زرشناس، شهریار (۱۳۹۳)، "شناخت و سنجش ایدئولوژی های مدرن"، جلد اول، انتشارات کیهان
- سلامی، حسین و یدلهی، رضا (۱۳۹۶)، "ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه های حضرت امام خامنه - ای (مدظله العالی)"، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال پانزدهم، شماره ۶۹
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳)، "حقوق جنگ"، تهران
- عزیز خانی، احمد (۱۳۸۸)، "بررسی شاخص های بنیادگرایی مسیحی در آمریکا (بر مبنای اندیشه های لتواشتر اوس)"، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۲۰-۱۹
- عسگری، محمود (۱۳۹۱)، "ویژگی ها و مؤلفه های کلیدی اندیشه نظامی امام خامنه ای (مدظله العالی)"، گزیده مقالات اولین همایش تبیین اندیشه های دفاعی امام خامنه ای (مدظله العالی)، تهران، یاران شاهد
- علیقلیان، احد (۱۳۹۱)، "فرانسیسکو سوارز"، مهنرنامه، ویژه نامه جنگ و صلح، تهران
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)، "اصول سیاست خارجی و سیاست بین المللی"، تهران، سمت

- کولیبار، کلود آلبر (۱۳۶۸)، "نهادهای روابط بین‌الملل"، ترجمه هدایت ... فلسفی، انتشارات نشر نو، تهران
- گروه مطالعات دفاعی (۱۳۹۰)، "مطالعه تطبیقی در اندیشه نظامی"، دانشگاه عالی دفاع ملی
- مارکس، کارل (۱۹۷۶)، "ایدئولوژی آلمانی"، هیئت تحریریه نشریه کارگر
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲)، "استراتژی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر"، تهران
- مظفرپور، نعمت... (۱۳۸۲)، "الگوها شیوه‌های اجرا و ابزارهای ایدئولوژیک سیاست خارجی آمریکا"، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال پنجم
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۴)، "اندیشه دفاعی اسلام"، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ب- منابع انگلیسی:

- Halliday, F. (2005), the Middle East in International Relations; Power, Politics and Ideology, Cambridge: Cambridge University Press
- Samuel Huntington, American Ideals Versus American Intitutions, American 1989
- Kimball, Charles, when religion becomes evil, new York: harper collines e-books, 2008
- Mannheim, K. (1971), the Ideology and Sociological Interpretation of Intellectual
- Payne, R.J. (1995), The Clash with Distance Cultures, New York: State University Press

پ- سایت‌ها:

- آجرلو، علی (۱۳۸۸)، "سایت باشگاه اندیشه"
- صداقت‌گویان، محمد (۱۳۸۲)، "نقش مذهب در آمریکا"، شماره ۳۲۲۲ hamshahrionline.ir
- واعظی، اصغر (۱۳۸۲)، "نقش مذهب و ایدئولوژی در سیاست آمریکا"، شماره ۳۲۲۲ hamshahrionline.ir